

نگارش به مثابه سلوک

هبوط . جلسه ۹۸

محمدجواد قدوسی . ۸ اسفند ۱۳۹۶

کارها به انجام رسیده ... و تلاش ورنج مردم نیکوکار به باز نشسته وثمر داده است ...
بدترین آدمها، خوبی برایشان نمودار شده و در جذبه ای همه را به خود مشغول کرده است ..
هیچکس انتخاب بدی نم یکنند. .. و شیطان متروک و مهجور شده است .
هر روز نشانه تازه ای از رفتار نیکو در جهان از گوشه ای چهره نشان م یدهد و به سرعت عالم گیر می شود. ...
همه کسانی که ثروتمندند مترصد فرصت هستند تا از اموالشان به غیر از خودشان فایده ای برسانند. کسی در هیچ
کجای دنیا در بخشش بخیل و خسیس نیست .
شکم بارگی رخت بر بسته ، غذاهای گوارا بین همه دوستدارانش تقسیم می شود و به همه به اندازه میل و
اشتهایشان می رسد . خوبی و نیکوکاری و راستی و درستی برهان هایی واضح هستند و پرچم شان برافراشته است .
و راهشان روشن و مسیر برای بدست آوردنشان هموار ...
زمین میوه های دل خود، معادن طلا و نقره را برای انسانها بیرون می ریزد و کلیدهایش را به آنها می سپارد ...
حاکمان روش عادلانه در حکومت را به درستی به نمایش می گذارند. وسنت نیکوکاری و درستی همه گیر شده
است.
هر روز تازه تر از دیروز ذهن و دل مردم را مشغول می کند و بیشتر و بیشتر مشتاق نیکوکاری و عدالت می کند. ..
این سرچشمه های هدایت و صداقت و زیبایی است که هر لحظه جوششی تازه دارد ..
همه با دل و جان برای رسیدن به جایگاه نیکان تلاش می کنند.
مرز دنیا و بهشت برداشته می شود و می بینید که در بهشت هستید ...
بهشت ، چنان زیبایی حیرت انگیزی دارد که مردم خوشیهای زندگی شان را و منظره های آراسته و زیبای آنرا
فراموش می کنند.
آنجا درختان همواره بهم می خورند و رنگهای متنوع می سازند.. ریشه های آن درختان در توده های معطر قرار
دارند و در ساحل جویباران بهشت آبیاری می شوند.
میوه های درختان درخشان و پرتلولو از شاخه های کوچک و بزرگ آویخته اند و هر وقت اشتها کنی بدون زحمت
خم شده در دسترس قرار گیرند.

شگفتیهای بهشت تمامی ندارد ... و مناظر آن تو را گیج و حیران می کند.

مهمانداران بهشت گرد ساکنان آن در گردش هستند و آنان را با عسلهای پاکیزه و شرابهای گوارا پذیرایی می کنند.

شرابهایی که هیچوقت نوشیدنشان آزار نمی رساند و هر لحظه بر آگاهی و احاطه تو اضافه می کنند و مستی لذتبخشی از این آگاهی به تو دست می دهد و هیچوقت خماری و خستگی و آزار و دلزدگی پیش نمی آورند ...

کنار آبی لحظه ای فرود می آیی ... زیبایی آب و طراوت آن قابل وصف نیست فقط میشه تجربه اش کرد. در اون خیره بشوید ... و چهره زیبای خودتون رو در آن ببینید که از هر وقت دلنشین تر و شیرین تر شده ... و به چشمان خودتون خیره بشوید که به اندازه یک اقیانوس عمق و زیبایی داره ..

کسی با شما حرف می زنند .. یک نفر نیست، چند نفر هستند .. چند نفر هم نیستند انگار زمین و زمان و در ختان و مردم و دیگران و دیگران چیزی به شما می گویند .. همینطور که به چشمان خودتون خیره شده اید می شنوید که می گویند اگر به خیره شدن در چشمانتان ادامه بدهید اتفاقی ، زلزله ای خواهد آمد ...

چه زلزله ای؟ چرا باید زلزله را بخواهیم؟ می توانید خیلی راحت خیره نشوید و به بهشت برگردید. اما صدا ادامه دارد می گوید اگر ادامه بدهید ، این زلزله همه چیز را به دنیای قبلی برمی گرداند . اما بهشتی را تجربه می کنید که شگفتی هایش این بهشت را از یادتان می برد . و از خودتان انسانی را نشانتان می دهد که درخشش این که هستید را بکلی از یاد می بره .. باید انتخاب کنید. (سکوت ...)

انتخاب کنید و بعد از انتخاب آنرا به نگارش دریاورید . ..